

Imamate Studies in Kufa in the Early Second Century Based on the Interpretive Opinions of Suddi Kabir

Mansureh alsadat Khatami*

Mouhammad reza Shahroudi**

Abstract

This study explores the religious and ideological climate of Kufa in the 1st and early 2nd centuries AH, focusing on the narrations of Isma'il ibn Abd al-Rahman al-Suddi al-Kabir (d. 127 AH), a respected scholar among both Sunni and Shia circles. Some scholars argue that the virtues attributed to Imam Ali (peace be upon him) and the Ahl al-Bayt were later fabrications by extremist Shia groups. This research challenges that view by analyzing al-Suddi's narrations to determine whether reverence for the Ahl al-Bayt was present in early Islamic thought.

Although Sheikh Tusi lists al-Suddi among the companions of the Imams, he cannot be strictly categorized as a doctrinal Shia. His interpretations of Quranic verses related to Imam Ali and the Progeny of the Prophet, along with his emphasis on love (wilaya) for them, disavowal (bara'a) from their enemies, and recognition of their spiritual and moral superiority, indicate a widespread respect for the Ahl al-Bayt in Kufa during the Umayyad era.

These findings suggest that the veneration of the Ahl al-Bayt was not merely a later development but had roots in the early Islamic period. Al-Suddi's balanced and widely accepted position provides insight into the general beliefs of the people of Kufa, showing that pro-Alid sentiment was embedded in the broader religious consciousness of the time.

Keywords: Suddi Kabir, Ahl al-Bayt (AS), The excellences of Ali (AS), The city of Kufa.

* Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Institute for Interdisciplinary Quran Studies, Shahid Beheshti University (Corresponding Author), m_khatami@sbu.ac.ir

** Associate Professor of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, mhshahroudi@ut.ac.ir

Date received: 24/01/2024, Date of acceptance: 21/04/2024





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امامت پژوهی در کوفه در اوایل قرن دوم با تکیه بر آراء تفسیری سدی کبیر

منصوره سادات خاتمی*

محمدرضا شاهرودی**

چکیده

بازشناسی فضای اعتقادی کوفه در قرن اول و ابتدای دوم، یکی از امور راهگشا در بسیاری از پژوهش‌های اسلامی است. آن‌سان که شناخت شخصیت‌های علمی آن دوران، از ابزارهایی است که ما را به درک آن زمان نزدیک می‌کند. این دغدغه که برخی بعضی فضائل امیرالمومنین (ع) را ساخته قرن‌های بعد و غالبان شیعی می‌دانند، مسئله پژوهش حاضر است که با روش توصیفی-تحلیلی و واکاوی روایات اسماعیل بن عبدالرحمن، معروف به سدی کبیر (م ۱۲۷ق) از دانشمندان مورد قبول فریقین در شهر کوفه، در دوره اتباع تابعان بدان پرداخته شده است. ارباب سیر و رجالیان از او با عنوان کوفی یاد کرده‌اند و شیخ طوسی نام او را در زمره اصحاب ائمه علیهم‌السلام برده است اما با واکاوی روایات و آراء کلامی به جای مانده از سدی روشن می‌شود که نمی‌توان او را در زمره شیعیان اعتقادی به معنای اخص محسوب کرد. روایات تفسیری او درباره امیرالمومنین علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام و ارتباط وثیقی که بین ایشان و آیات مرتبط قائل شده، توصیه به تولی اهل بیت علیهم‌السلام، تبری نسبت به دشمنان ایشان و علو مقامات دنیوی و اخروی و تعابیر ولایی سدی درمورد ایشان، می‌تواند جایگاه اهل بیت (ع) را در دوران بنی امیه، در اذهان عموم مردم کوفه برای ما تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: سدی کبیر، اهل بیت (ع)، فضائل علی (ع)، شهر کوفه، تولی و تبری.

* استادیار الهیات و معارف اسلامی، پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)، m_khatami@sbu.ac.ir

** دانشیار فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، mhshahrudi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲



۱. مقدمه

ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان کوفی، معروف به سدی کبیر (م ۱۲۷ق) از مفسران متقدم کوفه است و عموم دانشمندان جرح و تعدیل از او به نیکی یاد کرده اند؛ آن سان که رجالیان از جمله علی بن المدینی (م ۲۳۴ق) نقل می‌کند که از احدی، جز خیر درباره او نشنیده است. أحمد بن حنبل آورده که سدی، ثقة است و نسائی - چنانچه به خط او موجود است - گفته که سدی، صالح است و بر او ایرادی نیست (حافظ مزی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۳۷-۱۳۵). بر پایه دیگر داوران، روایت سدی نزد مسلم و صاحبان سنن اربعه نیز معتبر است (ذهبی، بی‌تاب، ج ۱، ص ۷۹).

شریک بن عبدالله (م ۱۷۷ق) از زمره شاگردان وی گفته است: نادم نیستم اگر کسی را دیده و هر آنچه گفته ننوشته‌ام؛ مگر سدی (یا قوت حموی، بی‌تاب، ج ۲، ص ۷۲۴). ابوالأحمد بن عدی (م ۳۶۵ق) درباره سدی آورده است که او نزد من مستقیم الحدیث و صدوق است (حافظ مزی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۳۷). ابوبکر بن ابی‌داود (م ۳۱۶ق) می‌گوید: کسی بعد از صحابه، أعلم به قرآن از ابی‌العالیه، و بعد از او سعید بن جبیر و پس از او سدی و بعد، ثوری نیست (جزری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۳۵).

در مورد مذهب سدی آراء مختلفی گزارش شده است: ذهبی سدی را منسوب به تشیع می‌داند (ذهبی، بی‌تاب، ۱: ۷۹). ابن حجر نقل می‌کند که سدی به شیخین بد می‌گفته است (ابن حجر عسقلانی، بی‌تاب، ج ۱، ص ۳۱۳). شیخ طوسی، سدی را از اصحاب امامان، زین‌العابدین و محمد باقر و جعفر صادق علیهم السلام می‌شمرد (الطوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۹ و ۱۲۴ و ۱۶۰). اما علامه حلی و حر عاملی، سدی را در زمره زعمای مفسران اهل سنت می‌دانند (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۴۱۴). در فقه روایاتی منطبق بر فقه امامیه (همچون تأیید متعه) از او مشاهده می‌شود (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۳) و گاه طبق فتاوی عامه حکم رانده است چنانکه او به رسم عامه وضو می‌گیرد (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۸۲). سدی روایات اندکی از اهل بیت نقل کرده است و روش تفسیری او اعم از ذکر اسرائیلیات و قصه‌پردازی، با روش تفسیری اهل بیت (ع) فاصله دارد.

آراء و روایات سدی در آن زمان شباهت و هم‌خوانی با آراء غلات هم نداشته و در إحصاء روایات رسیده از او درباره عدم ممات ائمه (ع)، علم غیب ایشان و یا اداره عالم و ... روایتی مشاهده نمی‌شود. مضاف بر اینکه لعن غلات نیز از او گزارش شده است: در زیادات عبدالله بر

امامت پژوهی در کوفه در ... (منصوره سادات خاتمی و محمدرضا شاهرودی) ۳۰۷

مسند احمد بن حنبل از قول سدی آمده که علی (ع) فرمود: "اللَّهُمَّ الْعَنْ كُلَّ مُجِبٍّ لَنَا غَالٍ وَ كُلَّ مُبْغِضٍ لَنَا قَالَ" (ابن بطریق، بی تا، ص ۲۱۲).

سدی از اصحاب خاص امام سجاد (ع) و امامین صادقین (ع) نیز نبوده زیرا گزارشی از او در محضر ائمه (ع) و بر لسان ایشان در مورد او وجود ندارد. ضمن اینکه برخی روایات سدی بر این موضوع دلالت دارد که همه تعالیم شیعی و اصول اعتقادی ائمه (ع) برای وی مسجل نبوده است.

۲. پیشینه پژوهش

دکتر عطاء یوسف در سال ۱۴۱۴ ق در رساله دکتری خود در الأزهر تحت عنوان "تفسیر السدی الکبیر"، آراء اجتهادی و روایت‌هایی که سلسله اسنادشان به سدی مقطوع می‌شود را از شش کتاب تفسیری اهل سنت جمع‌آوری کرده و به توثیق و عدالت و اثبات عدم تشیع سدی پرداخته است. او بیش از ۲۰۰۰ روایت در تفسیر از سدی نقل کرده اما صرف‌نظر کردن از منابع شیعی در جمع‌آوری آراء سدی و تکرار نقل‌قول‌های متقدمین، تحقیق وی را ناتمام و نتایج برآمده از آن را حاصل جانب‌داری وی از گرایش‌های مذهبی خویش نموده است. "سدی کبیر و اقوال او بر اساس مجمع‌البیان و المیزان" توسط علی تفریحی و دکتر ربیع نتاج نیز دیگر پژوهشی است که در این باره در سال ۱۳۸۸ ش انجام شده است. در این پایان‌نامه هم آراء سدی از دو کتاب تفسیری شیعه جمع‌آوری شده است و با استناد به آن سدی را از زمره تابعان و مفسران شیعه می‌شمرد که عموم علمای عامه نیز او را مورد وثوق می‌دانند. در این پژوهش نیز سدی با صرف‌نظر از بسیاری از مروی‌اتش قضاوت شده است. پژوهش پیش رو با فحص تام حدود ۴۰۰ عنوان کتاب شیعه در جامع الاحادیث نور ۳ و جمع‌آوری احادیث سدی از منابع اهل سنت خصوصاً تفسیر طبری، ثعالبی و .. تلاش کرده است تقریباً همه آراء وی را احصاء و مورد بررسی قرار دهد.

۳. دوستی با اهل بیت (ع) و دوری از دشمنان ایشان

در سده اول و دوم غالب اهل کوفه محب اهل بیت (ع) بودند. گرچه غالباً اهل بیت (ع) را برتر از دیگران می‌دانستند، اما گاه نظر ایشان صرفاً حب و دوستی اهل بیت (ع) بوده است و نه برتری سیاسی و مرجعیت علمی ایشان. از سوی برخی این گرایش تشیع خوانده می‌شد، در

حالی که هیچ زمینه‌ای از تفضیل یا چیز دیگری در آن وجود نداشت. ابن ادريس شافعی به دلیل داشتن این گرایش به رفض متهم گردید (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۳۰۱).

۱.۳ تبری اهل بیت (ع)

در روایات متعددی از سدی، تاکید بر محبت اهل بیت (ع) مشاهده می‌شود. سدی در تفسیر "اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" بنا بر روایت ابن عباس معنای آیه را "اهْدِنَا إِلَى حُبِّ النَّبِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ" می‌داند (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۵). در تفسیر وکیع بن جراح نیز این روایت از سدی و مجاهد از ابن عباس به این عبارت که "أَرْشَدْنَا إِلَى حُبِّ النَّبِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ" آمده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۷۳؛ نباطی عاملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۴). و مسیر مستقیمی که آن را اسلام تفسیر کرده (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۸) در محبت پیامبر (ص) و اهل بیتش ترسیم می‌نماید چنانکه حب ائمه (ع) در جامعه کوفی در زمان سدی اصلی اصیل بوده و جزء اعتقادات عوام شیعه و خواص آن به شمار می‌رفته و در قشری وسیع تر از شیعیان به نام محبین وجود داشته است.

او در آیه ۲۸ الزخرف: "وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" می‌گوید: "فِي عَقِبِهِ" یعنی آل محمد (ص) را تا روز قیامت دوست بداریم و از دشمنانشان تا آن روز برائت جویم (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۷). سدی حدیثی از زید بن أرقم از رسول الله (ص) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: هر کس بخواهد به شاخه‌ای از یاقوت سرخ که خداوند در بهشت برای او قرار داده، چنگ بزند پس باید به حب علی بن ابی طالب (ع) متمسک شود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۰۱؛ طبری، ۱۴۱۵، ص ۲۸۹).

ابن ابی الحدید از سدی از زید بن أرقم نقل می‌کند: ما همراه رسول الله بودیم و ایشان در حجره‌ای بود که به ایشان وحی می‌شد و ما در انتظار ایشان به سر می‌بردیم تا اینکه گرما شدت گرفت؛ علی بن ابیطالب (ع) و فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) آمدند و در سایه دیوار نشستند در حالی که انتظار وی را می‌کشیدند پس زمانی که رسول الله خارج شد؛ ایشان را دید و به سمتشان آمد و برایشان با جامه، سایه‌ای ساخت که یک سویش را خود گرفته بود و سوی دیگرش در دست علی (ع) بود و می‌فرمود: "اللهم إني أحبهم فأحبهم اللهم إني سلم لمن سالمهم و حرب لمن حاربهم" و سه بار این جملات را تکرار کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰۸-۲۰۷؛ ابن عقده، ۱۴۲۴، ص ۲۸؛ ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۳۲).

۲.۳ تبری از دشمنان اهل بیت (ع)

در قرون اولیه یکی از نمادهای تبری از دشمنان امیرالمؤمنین (ع) در جامعه مذمت عثمان و طلحه و زبیر بوده است از آنجا که ایشان در دشمنی علی (ع) و مخالفت با سبک و سیره ایشان شهرتی خاص داشتند. ذهبی می‌نویسد: شیعه غالی در قرون اولیه به کسی گفته می‌شد که درباره عثمان، زبیر، طلحه و معاویه سخنان تند و زشت می‌گفت. همچنین به کسانی که با علی (ع) جنگیدند و به او دشنام دادند هم اطلاق می‌شد؛ اما در دوران ما به کسی گفته می‌شود که این بزرگان را تکفیر می‌کند و از ابوبکر و عمر بیزاری می‌جوید (ذهبی، بی‌تا-الف، ج ۱، ص ۶؛ ذهبی، بی‌تا-الف، ج ۲، ص ۳۹۷).

روایات متعدد از سدی در تأویل آیات قرآن درباره مذمت ایشان رسیده است. در تفسیر سدی ذیل آیه ۵۱ سوره المائده، طلحه و زبیر را از افرادی دانسته که می‌خواستند یهود و نصارا را ولی خود گرفته و برای خود در جنگ احد امانی کسب کنند و از ترس به شام بگریزند که پیامبر (ص) از اجازه دادن به ایشان حذر می‌کرد که علی (ع) غضبناک شد و ایشان منصرف شدند و آیات ۵۱ تا ۵۳ المائده نازل شد (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۵۱). در این باره برخی گفته اند که در کتاب تفسیر سدی چیزهای عجیبی است که به تزکیه فرقه شیعه گواهی می‌دهد و مخالفان ایشان را طعن می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۹۴).

سدی ذیل آیه ۴۷ النور: "وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ" آورده که این آیات درباره عثمان بن عفان و بد عهدی او با علی (ع) و ابای او از حکمیت پیامبر (ص) بین آن دو نازل شده است (علامه حلی، بی‌تا، ص ۳۰۴).

سدی دشمنی ایشان را نه با علی (ع) بلکه با شخص پیامبر اکرم (ص) و نه بعد از وفات ایشان بلکه در زمان خود رسول (ص) به طور پنهان روایت می‌کند. او می‌گوید هنگامی که ابوسلمه و خنیس بن حذیفه مردند و رسول خدا با همسرانشان ام سلمه و حفصه ازدواج کرد، عثمان و طلحه گفتند: آیا او باید با زنان ما بعد از مرگمان ازدواج کند و ما نباید با زنان او بعد از او ازدواج کنیم؟! به خدا قسم هنگامی که بمیرد، از زنان وی سهمی خواهیم داشت. طلحه، عایشه را می‌خواست و عثمان، ام سلمه را خواستار بود. که خداوند آیات ۵۳ تا ۵۷ سوره الاحزاب را نازل کرد: "وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا" و این آیه نیز نازل شد: "إِنْ تُبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تُخَفُّوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا" و همچنین این آیه: "الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ

لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ" (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۴۹۵-۴۹۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۵۱؛ علامه حلی، بی‌تا، ص ۳۰۴)

درباره فدک نیز سدی آورده است: هنگامی که "وَأْتِذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ" (الاسراء/۲۶) نازل شد؛ پیامبر (ص) فدک را به فاطمه (س) بخشید (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۳۹۳). یعنی سدی فدک را حق فاطمه (س) و اولادش می‌داند که به ایشان عطا شد و بعداً توسط شیخین غصب گردید.

پس از ارتحال پیامبر (ص) تا هنگام جنگ جمل شیعیان علی (ع) را اشخاص معدودی که از همان آغاز آن حضرت را ارزشمندترین فرد برای احراز مقام خلافت و رهبری جامعه اسلامی پس از پیامبر (ص) می‌انگاشتند، تشکیل می‌دادند. پس از جنگ جمل اصطلاح شیعه علی (ع) شامل همه کسانی شد که از او بر ضد عایشه حمایت کرده بودند (جعفری، ۱۳۸۲، ص ۱۲۰). چرا که دیگر خط فکری و سیاسی طلحه و زبیر و پیش از اینان عثمان بر همه آشکار بود. سدی آیه ۲۵ الانفال "وَأَنفُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ" را خاص اهل بدر می‌شمرد که در مورد جنگ جمل نیز مصداق یافته بود. سدی ذیل آیه ۱۹۳ البقره درباره "فَلَا تُدْوَا إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ" می‌گوید که این آیات درباره جنگ صفین و جمل نازل شده و خداوند اصحاب جمل و صفین را ظالمان خوانده است و "وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ" همراهی خدا با متقین را پیروزی ایشان دانسته و حق را از آن امیرالمؤمنین علی (ع) و اصحابش می‌داند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۶۳) پس دشمن علی (ع)، ظالم و در جبهه‌ای در برابر الله قرار می‌گیرد. سدی در تفسیرش از ابن عباس ضمن تفسیر آیه ۱ سوره الممتحنه نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) (در جریان جنگ جمل) به زبیر گفت: به خدا قسم زنی که همراه او کتابی نیست راست نمی‌گوید بلکه خدا و رسولش راست می‌گویند، پس کار را از دست او بگیر (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴۴). این نقل و انتساب او به تشیع موجب جرح و ذم در مورد او از سوی علمای حدیث عامه و علمای رجال شده است (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۳۰).

سدی فرجام دشمنی با علی (ع) را هم خزی و شکست می‌داند. او نقل می‌کند که شخصی سوار بر شتر پیش آمد درحالی که علی (ع) را دشنام می‌داد. مردم از او می‌ترسیدند و تنها او را می‌نگریستند. سعد بن ابی وقاص جلو آمد و گفت: بارالها کسی که عبد صالح تو را سب می‌کند، در چشم مردم خوار کن. چیزی نگذشت که شترش رم کرد و بر زمین افتاد و گردنش شکست (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۲۲).

۳.۳ روایات سدی درباره کربلا

سدی در تفسیر آیه ۲۹ سوره الدخان می گوید: زمانی که حسین بن علی (ع) کشته شد، آسمان بر او گریست درحالی که گریه او سرخ گون بود (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵، ص ۷۴) یا علامت گریه آن سرخ شدن اطراف آن بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۵۴) آسمانی که مطابق نص قرآن بر هیچ کس نگریسته بود. گریستن آسمان در روز عاشورا در روایت سدی از اعتقاد او به ناگواری و دلخراش بودن این رویداد حکایت می کند. ابن شهر آشوب از کتاب تفسیر سدی (و جامع ترمذی) نقل می کند که ام سلمه گفت: رسول اکرم (ص) را در خواب دیدم که بر سرش خاک بود؛ گفتم شما را چه شده است؟ فرمودند: شهادت می دهم که اکنون حسین (ع) کشته شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۵۵).

در روایتی، سدی در کوفه آیه ۵۱ سوره غافر را تلاوت می کرد: "إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ" و می گفت: مؤمنی کشته نمی شود مگر اینکه خدا بعد از وی کسی را بر می انگیزد که نشان دهد او بر مسیر هدایت بوده است (کوفی، بی تا، ص ۳۷۹-۳۷۸). در باور او عذابی که پس از کربلا دامن مسببان آن مهلکه را می گرفت، انتقام الهی از مقصران آن ماجرا بود. سدی روایت می کند: نزد مردی بودیم که وقتی آمد، بوی قیر می داد. پس سدی از او پرسید: قیر می فروشی؟ گفت: نه. سدی پرسید: پس این بو چیست؟ گفت که در سپاه عمر بن سعد آهن آلات می فروخته و زمانی که به نزدیکی سپاه حسین (ع) رسیده بود، در خواب پیامبر (ص) و علی (ع) که همراهش بود را دیده بود که اصحاب حسین (ع) را آب می داد. و از دادن آب به او ابا کرده بودند و به واسطه فروش آهن آلات به عمر بن سعد به وی قیر نشانیده شده بود... (ابن حمزه، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۳۵). شیخ طوسی نیز از سدی همین روایت را با اندک تغییرات آورده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۵۹).

و سدی (از پدرش) نقل می کند که ما پسر بچه هایی بودیم که در سرزمین کربلا پس از شهادت حسین (ع) گندم می فروختیم. مردی بر ما وارد شد که می گفت در قتل حسین (ع) شرکت داشته است. ما بر سر طعام بودیم و (می گفتیم) جز این نیست که هر کس از قاتلین حسین ماند، به نحو بدی کشته شد. آن مرد که بالای سر ما ایستاده بود، گفت: ای اهل عراق این دروغی بیش نیست. به خدا قسم من شاهد قتل حسین بودم و چه کسی از من، مال فراوان تری دارد؟ همان طور که می گفت، دست به سوی طعام برد که آتش فتیله چراغ به انگشتش و بعد به او کمانه کرد و ریش او آتش گرفت پس به سوی آب می دوید تا خود را در آن بیندازد

و ما دیدیم که شعله‌ور بود تا گدازه آتش شد (ابن‌نما، بی‌تا، ص ۱۰۹). این روایت از خود سدی نیز منقول است (الذهبی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۳۹).

در روایات متعددی از سدی به بیان امام سجاد (ع) خطاب به مردی از شام، هویت اسرای شام و اهل بیت پیامبر (ص) با آیات قرآنی تبیین می‌شود. در آیه ۴۱ الانفال موسوم به آیه خمس سدی از ابن دیلم روایت می‌کند که امام خطاب به مرد شامی می‌فرماید: آیا در سوره انفال خوانده‌ای: "وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ..." "مرد شامی گفت: بله، آیا ایشان شما هستید؟ امام فرمود: بله (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۸۸). ذیل آیه ۲۶ سوره الاسراء هم سدی از امام زین‌العابدین (ع) در روایت دیگری آورده که به مردی از شام فرمودند: آیا قرآن خوانده‌ای؟ آیا خوانده‌ای که و "آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ" آن مرد پاسخ می‌دهد: آری؛ امام می‌فرماید: ذوی القربی ما هستیم (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۶). طبری در ادامه همین روایت از سدی می‌آورد که امام فرمودند: این قرابتی است که خداوند به ادای حقش فرمان داده است (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۷۲) و طبری این روایت را از سدی در مجمع می‌آورد و می‌گوید که این روایت از اصحاب ما از صادقین (ع) نیز رسیده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۴۲). سدی از ابی دیلم باز هم درباره آیه تطهیر (الأحزاب/۳۳) می‌آورد که امام سجاد (ع) مرد شامی را گواه می‌گیرد که ایشان یعنی خاندان حسین (ع) و اسرای کربلا در شام، مطهر از هرگونه گناه و آلودگی بوده‌اند (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۷). در بیان آیه ۲۳ الشوری سدی خطاب امام را پس از سخنان مرد شامی نقل می‌کند که بر سر دروازه شام ایستاده بود و هنگام ورود اسرای کربلا می‌گفت: خدا را شکر که شما را کشتیم و بیچاره کردیم و ریشه فتنه را قطع کردیم. که امام سجاد (ع) می‌فرماید: آیا قرآن خوانده‌ای؟ آیا آل حم را خوانده‌ای؟ آن مرد می‌گوید: قرآن خوانده‌ام اما آل حم را هرگز نخوانده‌ام. امام می‌فرماید: آیا "قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى" را خوانده‌ای؟ مرد شامی می‌گوید: بله، آیا ایشان شما هستید؟ امام تصدیق می‌کند (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵، ص ۱۶). آنچه قابل تصور است این است که در مقابل صحبت‌های آن مرد شامی بر دروازه دمشق، امام سجاد (ع) آیات متعددی را تلاوت فرموده و با گواه گرفتن شامیان، هویت اسرای کربلا و منزلت واقعی ایشان را با استشهاد به آیات قرآن، بازگو می‌نماید.

۴. فضایل علی (ع) در روایات تفسیری سدی

گاه انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه به عنوان سبب نزول مشهور است در تفسیر سدی مشاهده می‌شود. تطبیق الفاظ قرآن بر مصادیق خارجی تا حدی رواست که مخالف عقل و عرف و نصوص قرآن و سنت نباشد؛ از این حیث این مصداق یابی در مواردی برای ما قابل پذیرش است که بیان مصداق یا مصادیقی از یک مفهوم عام یا مفهومی مطلق باشند یا الغای خصوصیتی از آیات قرآن بر موارد دیگری که با موارد نزولشان مناسبت داشته باشد (نک شاکر، ۱۳۸۸، ص ۱۹۳-۱۶۰). این شیوه در تفسیر امامان معصوم (ع) نیز وجود دارد. سدی در آیه ۹۴ سوره الحجر درباره "فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ" از ابن عباس روایت می‌کند که فضائل اهل بیت پیامبر (ص) باید آشکار شود چنانچه پیامبر (ص) به آشکار کردن قرآن و وحی دستور داده شده بود (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۲۳) و خود در میان تفسیر آیات به اقتضای مفاهیمشان، به ابراز این فضائل درباره امیرالمومنین و اهل بیت پیامبر (ع) اقدام کرده است.

۱.۴ علی (ع) در زمره صادقان

سدی در آیه ۱۱۹ التوبه: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ" می‌گوید با علی بن ابیطالب (ع) باشید (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۹۲) و علی (ع) و همراهانش را از صادقان و راست‌گویان می‌شمرد. فرات به دو طریق معننا از سدی در سه آیه ابتدایی سوره العنکبوت: "الْم أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ" می‌آورد که کسانی که راست گفتند علی (ع) و اصحابش بودند (کوفی، بی تا، ص ۳۱۸).

به روایت سدی از ابن عباس در آیه ۳۲ و ۳۳ الزمر: "فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ" وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ" علی (ع) و ولایت او صدق است که تکذیب شده است که در روایت از اهل بیت (ع) نیز مصداق صدق در این آیات محمد (ص) و علی (ع) هستند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۹۲).

۲.۴ علی (ع)، رحمت الهی

در آیه ۵۸ سوره یونس "قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ"، سدی به روایت از ابن عباس پیامبر (ص) را فضل الهی و علی را رحمتش تبیین می‌کند

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۹۹؛ طبری، ۱۴۱۵، ص ۶۰۶). که در روایت امام باقر (ع) نیز اقرار (اعتراف و ایمان) به (حقانیت) رسول الله (ص) به فضل الهی و اقرار (اعتراف و ایمان) به ولایت علی (ع) به واسطه رحمت الهی است (همان).

۳.۴ علی (ع) از اولیاء الله

سده‌ای از ابی‌صالح و او از ابوهریره نقل می‌کند که رسول الله (ص) فرمود: از بندگان، افرادی هستند که انبیاء به آن‌ها غبطه می‌خورند. به واسطه‌ی روح خدا به یکدیگر محبت می‌ورزند و دل‌هایشان به هم نزدیک می‌شود، درحالی‌که هیچ نسب یا اموال مشترکی ندارند، صورت‌های آن‌ها نورانی است. وقتی مردم می‌ترسند، ایشان نمی‌ترسند؛ وقتی مردم اندوهگین می‌شوند، اندوهگین نمی‌شوند. آیا آن‌ها را می‌شناسید؟ گفتند: نه یا رسول الله! فرمود: ایشان علی بن ابیطالب (ع)، حمزه بن عبدالمطلب و جعفر و عقیل هستند. سپس پیامبر (ص) خواند: "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ" (یونس/۶۲) (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۵۴).

۴.۴ علی (ع)، هادی امت

سده‌ای از عبد خیر و او از علی (ع) درباره آیه ۷ سوره رعد: "إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ" می‌آورد: رسول خدا (ص) منذر است و هادی مردی از بنی‌هاشم است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۸۹) که منظور علی (ع) است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۸۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۹۰؛ طبری آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۷).

۵.۴ علم‌الکتاب نزد علی (ع)

درباره آیه ۶۳ یونس: "قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ"، سده‌ی علم‌الکتاب را نزد علی (ع) می‌داند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۹).

۶.۴ علی (ع) از اهل ذکر

سده‌ی روایت می‌کند که از علی (ع) درباره آیه ۴۳ سوره النحل پرسیدیم؛ فرمود: به خدا قسم ما از اهل ذکر و اهل علم و معدن تنزیل و تأویل (آیات الهی) هستیم و از رسول خدا (ص) شنیدیم که فرمود: "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيُّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهِ مِنْ بَابِهِ" (حسکانی، ۱۴۱۱،

ج ۱، ص ۴۳۲) و نیز سدی از فضیل بن یسار از ابوجعفر (ع) نیز درباره "فَسْتَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ" نقل می‌کند که ایشان فرمودند: اهل ذکر از خاندان رسول‌الله (ص) هستند و در ادامه فرمودند: "وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا وَ تَلَّا وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا" (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۷). از ابن عباس نقل شده که "فَسْتَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ" یعنی اهل بیت: محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسنین (ع) که ایشان اهل ذکر و علم و عقل و بیان‌اند و اهل بیت نبوت (ص) و معدن رسالت و محل آمد و شد ملائک هستند که مؤمن، مؤمن نامیده نمی‌شود مگر به کرامتی که از امیرالمؤمنین (ع) است که به طریق دیگر نیز از سفیان ثوری از سدی این روایت آمده است (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۹۳-۹۴؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۴-۹۳).

۷.۴ علی (ع)، سابق امت

سدی به نقل از ابی‌مالک از ابن عباس درباره آیه ۱۰ سوره الواقعة می‌گوید: "وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ" می‌گوید: سابق این امت علی بن ابی‌طالب (ع) است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۹۶).

۸.۴ علی (ع) تنها عامل به آیه نجوا

سدی درباره آیه ۱۳-۱۲ سوره المجادله از عبد خیر و او از علی (ع) نقل می‌کند که وقتی نازل شد: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَهُ" دیناری داشتم که آن را به ده درهم بخش نمودم و ده بار با رسول‌الله (ص) صحبت کردم. هر بار که می‌خواستم با او نجوایی کنم درهمی صدقه می‌دادم که منافقین گفتند: او را چه شده که درباره پسر عمویش کم نمی‌گذارد. پس نسخ شد و خداوند فرمود: "أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ..." و من اولین و آخرین کسی بودم که به آن عمل کردم کسی جز من به آن عمل ننمود (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۱۸).

۹.۴ علی (ع)، منتقم پیامبر (ص)

سدی از ابی‌مالک از ابن عباس نقل می‌کند که در ۴۱ الزخرف "فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ" (خداوند) به علی (ع) انتقام (رسول‌الله را) خواهد گرفت (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۲؛ کوفی، بی‌تا، ص ۴۰۳-۴۰۲). به دو روایت دیگر هم سدی این مطلب را گزارش می‌کند (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۱۹ و ۲۲۰).

۱۰.۴ علی (ع)، صالح مؤمنین و ناصر حق

سده‌ی از ابن عباس درباره آیه ۴ سوره التحريم نقل می‌کند که صالح مؤمنین، علی بن ابیطالب (ع) است و ملائکه ظهیر و پشتیان او هستند که این روایت را ابو حمزه ثمالی از ابوجعفر (ع) نیز نقل می‌کند (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۴۹ و ۳۵۰). سده‌ی از زید بن علی از ابن عباس نیز روایت می‌کند که علی بن ابیطالب ناصر حق و صالح مؤمنین است و چنانچه ثعلبی هم در تفسیرش آورده امام باقر (ع) از پیامبر (ص) این حدیث را نقل فرموده است (نباطی عاملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۸۷).

۱۱.۴ علی (ع)، اولین نمازگزار همراه پیامبر (ص)

در تفسیر سده‌ی ذیل آیه ۲۰ المزمّل: "إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ" آمده: اولین کسی که همراه پیامبر (ص) نماز خوانده است، علی بن ابیطالب (ع) بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴). در تفسیر قطّان از وکیع از سفیان از سده‌ی و او از ابی صالح از ابن عباس نقل می‌کند که "يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ" یعنی پیامبر (ص) لباس خود به سر کشید "قُمْ فَأَنْذِرْ" یعنی نماز بر پادار و علی بن ابیطالب (ع) را به نماز همراه خودت بخوان و ... (همان) که در این آیه نیز به همراهی علی (ع) در نماز با پیامبر (ص) اشاره شده است.

۱۲.۴ علی (ع)، امیر و شریف مؤمنان

در روایات متعدد و طرق گوناگون از جمله سده‌ی از ابن عباس در حدیثی از پیامبر (ص) نقل می‌کنند که هرگاه در آیه‌ای از قرآن "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" آمده، امیر و شریف ایشان علی بن ابیطالب (ع) است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۲).

۱۳.۴ علی (ع)، اولین مسلمان

سبق اسلام علی (ع) بر همه صحابه، مورد اجماع علمای شیعه و جماعت کثیری از عامه است. روایات متواتر در کتب معتبر در این باره وارد شده است. عده زیادی از تابعین این مطلب را به ابن عباس منسوب نموده‌اند که از زمره آن‌ها سده‌ی کبیر است (زیرنویس کلینی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۳۸-۳۳۹). در حدیث نبوی، سده‌ی از ابی مالک از ابن عباس نقل کرده که پیامبر (ص) فرمودند:

امامت پژوهی در کوفه در ... (منصوره سادات خاتمی و محمدرضا شاهرودی) ۳۱۷

علی (ع) اولین کسی بود که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶). سدی و مجاهد می‌گویند: اولین کسی که خدا از او راضی بود به واسطه بیعتش (با رسول‌الله) علی (ع) بود و خداوند از صدق و وفا در قلب او آگاه بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲).

۱۴.۴ علی (ع)، کاتب قرآن

سدی در تفسیرش از ابن عباس، در خبری طولانی می‌آورد که پیامبر (ص) فرمود: ای علی حرفی (از قرآن) را ننوشتی مگر جبرئیل تو را نگاه کرد و شادمان بود و تو را بشارت داد (همان، ص ۲۴).

۱۵.۴ علی (ع)، امیر المؤمنین و سید المسلمین

أعمش از سدی از ابن عباس این سخن پیامبر (ص) را نقل می‌کند که ایشان به ام سلمه فرمود: گوش کن و شاهد باش که علی (ع) امیر المؤمنین و سید المسلمین است (نباطی عاملی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۲).

۱۶.۴ علی (ع)، بهترین خلق (حدیث الطیر)

حدیث طیر را جماعتی از راویان و محدثین نقل کرده‌اند که از زمره ایشان سدی است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۸۲). بنا بر محتوای آن، پیامبر (ص) قصد تناول گوشت پرنده‌ای بریان را داشت و از خدا خواست با بهترین خلق هم‌غذا شود و با حضرت علی (ع) هم‌غذا شد. این روایت که در منابع شیعه و اهل سنت از طریق متعددی از انس بن مالک روایت شده است که إسناد آن در چندین روایت به سدی می‌رسد (ابن بطریق، بی‌تا، ص ۲۴۵-۲۴۳ و ۲۵۰).

۱۷.۴ علی (ع)، سرآمد در قرائت قرآن

سدی از ابی مالک از ابن عباس نقل می‌کند که عبدالرحمن بن عوف گروهی از اصحاب نبی (ص) را برای نماز حاضر کرده بود که علی (ع) را متقدم داشت زیرا او از همه بهتر قرائت می‌کرد (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۳).

۱۸.۴ علی (ع) و جمع‌آوری قرآن

سده‌ای از علی (ع) روایت می‌کند که هنگام وفات رسول‌الله، علی (ع) از مردم دوری گزید و قسم خورد که ردا بر دوش نیفکند تا اینکه قرآن را بین دو لوح جمع کند پس در خانه نشست تا قرآن را جمع کرد و آن اولین مصحفی بود که قرآن در آن جمع شد. او قرآن را بنا بر قلب خود (حافظه خود) جمع کرد و آن (مصحف) نزد آل‌جعفر (ع) است (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷).

۱۹.۴ خلوص علی (ع) در نماز

در روایتی از سده‌ای از عطاء ابن‌عباس آمده که پیامبر (ص)، دو ناقه شتر فربه و بزرگ داشت که به اصحاب خود فرمود: هر کس دو رکعت نماز بخواند که قلبش در حین نماز مشغول دنیا نشود و ذکری از آن در ذهنش خطور نکند، یکی از آن دو را به او اهداء خواهم کرد. حضرت سه بار خواسته خود را مطرح کرد اما هیچ یک از صحابه پیش نیامدند تا اینکه علی (ع) پیش‌قدم شد و دو رکعت نماز گذارد. هنگامی که سلام داد؛ جبرئیل هبوط کرد و فرمود یکی از دو ناقه را به او ببخش. پیامبر (ص) فرمود: علی (ع) هنگام سلام نماز می‌اندیشید که کدام ناقه را بپذیرد. جبرئیل گفت: او می‌خواست ناقه فربه‌تر را "لوجه الله" قربانی کند پس به خود و دنیا نیندیشیده بود. پیامبر (ص) هر دو ناقه را به او بخشید و فرمود: "إِنَّ فِي ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ" (ق/۳۷) در نماز علی (ع)، عقل او حاضر بود و با گوش خود آنچه را که زبانش تلاوت می‌کرد، می‌شنید و برای خدا حضور قلب داشت و به دنیا نمی‌اندیشید (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۶۷-۲۶۶).

۲۰.۴ شجاعت علی (ع) در نبرد همراه پیامبر (ص)

سده‌ای روایت می‌کند که در غزوه احد، طلحه بن ابی‌طلحه بین صفوف مسلمانان و کفار ایستاد و گفت: ای اصحاب محمد (ص) می‌پندارید که با شمشیرهایتان مرگ ما و جهنم رفتن ما را تعجیل می‌کنید و ما به شمشیرهایمان به بهشت رفتن شما را تعجیل می‌کنیم؟ پس کدامیک از شما حاضر است در برابر من بایستد و بجنگد؟ امیرالمؤمنین (ع) فرمود: به خدا قسم از تو فارغ نمی‌شوم تا تو را به جهنم بفرستم و با ضربه‌ای بر پاهای او هر دو را قطع کرد و او را انداخت؛ او به التماس افتاد و همان جا مُرد. پیامبر (ص) از این ماجرا شادمان شد و فرمود: او سرباز شجاعی بود (که به دست تو کشته شد) (مفید، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸۶-۸۵).

۵. ولایت و امامت علی (ع) و فرزندان

آنچه درباره اطاعت از امیرالمومنین (ع)، منصوص بودن عدد ائمه (ع) و ظهور منجی از نسل علی (ع) در روایات سدی به ما رسیده، با توجه به اینکه سدی قبل از شکل گیری مکتب صادقین (ع) می زیسته، محل بررسی است.

۱.۵ امامت

سدی به نقل از ابن عباس در تفسیر آیه ۵۹ سوره النساء درباره "أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ" منظور از اولوالامر را علی بن ابیطالب (ع) می داند (الطبری، ۱۴۱۵، ص ۴۹۴) که ثعلبی نیز در تفسیر این آیه، روایت سدی را آورده است (ابن طاووس، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۲۶). در روایت دیگری از او؛ وقتی پیامبر (ص) به مسلمانان دستور داد که اطاعت امر علی (ع) را انجام دهند؛ عمر بن خطاب از پیامبر (ص) پرسید که این دستور از جانب شماست یا خداوند؟ پیامبر (ص) پاسخ دادند: امر از جانب خدا و رسول اوست (الطبری، ۱۴۱۵، ص ۵۸۴-۵۸۳). اعتقاد سدی بر اینکه اطاعت از علی (ع) در امتداد اطاعت الهی و رسول خداست در این روایات تبیین می شود.

سدی روایت می کند که عمر جمع بین نبوت و امامت را در یک خانه امکان پذیر نمی دانست اما آیه ۵۴ سوره النساء "أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالنَّبُوَّةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا" به جمع آنها برای آل محمد (ص) اشاره دارد (نباطی عاملی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۴). او "وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا" را در خلافت (گر چه محقق نشده باشد) و امامت آل محمد (ص) می داند؛ ولایت و امامتی که ضامن بقای توحید تا قیامت است. چرا که او ذیل آیه الزخرف: ۲۸-۲۶ "وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ"؛ لا اله الا الله را کلامی جاودان در نسل ابراهیم می داند، که همیشه در نسل او باقی خواهد ماند که این معنی از قتاده و مجاهد نیز روایت شده اما درباره نحوه بقای این کلمه امام صادق (ع) کلمه باقیه را امامت تعبیر می کند که تا روز قیامت وجود دارد و سدی نیز در تکمیل معنای آیه مراد از عقبه را آل محمد (ص) می شمرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۸۴).

سدی از ابن عباس روایت می کند که آیه ۵۵ النور درباره خلیفه شدن مؤمنان بر روی زمین، درباره آل محمد (ص) نازل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۳۷؛ کوفی، بی تا، ص ۲۸۸). ولایتی که مورد سؤال و بازخواست امت در روز قیامت است.

به روایت دیگر سدی از عبد خیر از علی بن ابیطالب (ع) نقل کرده که می‌فرماید: صخر بن حرب نزد پیامبر (ص) آمد و گفت امر (خلافت) پس از تو به دست کیست؟ پیامبر (ص) فرمود: به دست کسی است که نسبت به من، منزلت هارون به موسی را دارد. پس خداوند نازل فرمود: "عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ" یعنی اهل مکه از خلافت علی (ع) می‌پرسند. "عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ" و برخی ولایت او را تصدیق و برخی تکذیب می‌کنند "كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ" و آن‌ها خواهند فهمید که خلافت علی (ع) حق بوده است هنگامی که مرده‌ای در سراسر عالم باقی نخواهد ماند مگر اینکه نکیر و منکر از او خواهند پرسید: "مَنْ رَبُّكَ وَمَا دِينُكَ وَمَنْ نَبِيُّكَ وَمَنْ إِمَامُكَ؟" (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۷۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۹۴؛ حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۳، ص ۲۴۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۸؛ علامه حلی، بی‌تا، ص ۲۱۱). در این روایت سدی خلافت بلاواسطه علی (ع) را پس از پیامبر (ص) قطعی و نبأ عظیم می‌شمرد. که از هر کس پس از مرگ مورد سؤال خواهد بود. سدی، علی (ع) را امام می‌نامد و این روایت را به همین صورت حر عاملی نیز از او نقل می‌کند و باز به روایت سدی از ابن مسعود خلافت بر روی زمین به سه نفر داده شده: اول به آدم در آیه "إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً" و دوم به داوود در آیه "يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ" و خلیفه سوم یعنی علی بن ابی‌طالب به واسطه آیه "لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ" یعنی آدم (ع) و داوود (ع) "لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ" یعنی اسلام "وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ" یعنی از اهل مکه "أُمَّتًا" از اهل مدینه "يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا" یعنی من را به وحدانیت بشناسید "وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ" به ولایت علی (ع) "فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ" یعنی به خدا و رسولش عصیان کردند (علامه حلی، بی‌تا، ص ۲۱۱-۲۱۲).

سدی خود را از شاگردان و مریدان ابن عباس می‌داند؛ در مسند احمد بن حنبل آمده که سدی روایت کرده که هنگامی که زمان وفات عبدالله بن عباس فرارسید گفت: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)" (ابن بطریق، بی‌تا، ص ۲۷۲؛ ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۷۴؛ طبری آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۹).

سدی از زید بن أرقم روایت می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: هر کس می‌خواهد مانند من زندگی کند و مانند من بمیرد و در جنة عدن که پروردگارم برایش آماده ساخته پس از آن سکنی گزیند، پس علی (ع) را بعد از من ولی بگیرد و ولی او را پس از او به ولایت بگیرد و به ائمه (ع) پس از او اقتدا کند که ایشان عترت من هستند و از گل من آفریده شده‌اند و به ایشان فهم و علم داده شده و وای بر کسانی که از امت من، فضل ایشان را تکذیب کنند و خویشی من

امامت پژوهی در کوفه در ... (منصوره سادات خاتمی و محمدرضا شاهرودی) ۳۲۱

را با ایشان قطع کنند و من برای ایشان نزد خدا شفاعت نمی‌کنم (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۱).

در روایت سدی منظور از اهل بیت (ع) در سوره الاحزاب همان عقیده شیعه مبنی بر پنج تن آل عبا گزارش شده است. وی در روایتی از ام سلمه نقل می‌کند که فاطمه (س) و همسر و پسرانش از جانب پیامبر (ص) دعوت شدند و اطعام کردند و تحت کساء بودند که پیامبر (ص) فرمود: "اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ حَامَتِي أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا" (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۲ و ۹۶) و وقتی ام سلمه از ایشان پرسید: آیا من از اهل بیت شما نیستم؟ پیامبر (ص) فرمود: "إِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ وَ إِلَى خَيْرٍ" و به ایشان پاسخ منفی داد (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۹۷، ص ۹۸).

۲.۵ منصوص بودن عدد ائمه (ع) در روایت سدی

علامه حلی روایتی از تفسیر سدی ذکر می‌کند که منصوص بودن عدد ائمه (ع) را نشان می‌دهد: زمانی که ساره از جایگاه هاجر مکدر بود؛ خداوند به ابراهیم وحی کرد: اسماعیل و مادرش را بردار و روانه شو تا به بیت نبی التهامی (یعنی مکه) برسی. من ذریه تو را نشر می‌دهم و آن‌ها را بار سنگینی بر کافران قرار می‌دهم و از ایشان نبی عظیمی بر می‌گزینم که بر همه ادیان غلبه یابد و از ذریه او دوازده (مرد) عظیم بر می‌گزینم و ذریه او را به عدد ستارگان آسمان قرار می‌دهم. که این روایت بر امامت ۱۲ امام از ذریه محمد (ص) دلالت دارد (علامه حلی، بی‌تا، ص ۲۳۰). این روایت را به اختصار حر عاملی نیز از تفسیر سدی نقل کرده است (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۳۰۶-۳۰۵). نکات روشن و قابل توجه در روایات فوق را می‌توان چنین برشمرد: ۱. ولایت علی (ع) در امتداد ولایت پیامبر (ص) و ولایت فرزندان از عترت او بعد از ایشان ۲. منصوص بودن عدد ذریه آل محمد (ص) ۳. مدد الهی که یاریگر ولایتشان است و زمینه غلبه دین محمد (ص) بر همه ادیان می‌گردد.

۳.۵ ظهور مهدی (عج)

سدی در تفسیر آیه ۳۳ سوره التوبه: "لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ"، تحقق آیه را در زمان خروج مهدی (عج) می‌داند که احدی باقی نمی‌ماند مگر اینکه اسلام آورد یا جزیه دهد (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۴۳). این که این آیه مبارکه به ظهور مهدی (عج) ناظر است و اینکه همگان در آن زمان مقرر به حقانیت محمد (ص) هستند، قول امام باقر (ع) است که از سدی هم

گزارش شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۸). او در تفسیر آیه ۵۴ سوره الفرقان که خداوند می‌فرماید: "هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا" می‌گوید منظور محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و حسنین (ع) هستند و "كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا" اشاره به قائم (عج) در آخرالزمان دارد (نباطی عاملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۷۲) و این چنین قائم (عج) را به خاندان محمد (ص) منتسب می‌کند. او در آیه ۱۱۴ سوره البقره خزی در دنیا را کشتار (کفار) در زمان قیام مهدی (عج) و فتح قسطنطنیه می‌داند (الطبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۹۹). نتیجه اینکه سدی به ظهور مهدی (عج)، استیلای ایشان بر دنیا در آخرالزمان و انتقام از اهل کفر و ضلال و اینکه ایشان از نسل علی (ع) و فاطمه (س) هستند، معتقد بوده است.

۶. نتیجه‌گیری

سدی کبیر از مفسران بزرگ و تاثیرگذار اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم است که اهل سنت و شیعه روایات فراوانی از او در کتب تفسیر و حدیث آورده‌اند. علمای عامه او را به تشیع منسوب کرده‌اند و شیعیان نیز او را در زمره اصحاب خاص ائمه (ع) نمی‌دانند و گاه بزرگانی چون حر عاملی و علامه حلی او را از علمای عامه شمرده‌اند؛ پس نسبت روایات به او را موجب قوت روایت نمی‌شمرند، از این رو جعل انتساب روایات به او دور از ذهن می‌نماید پس تدقیق در منقولات سدی که کثیرالروایه و خوشنام بوده می‌تواند مبین اعتقادات جامعه عام کوفه در آن برهه باشد. سدی گرچه روایات اندکی از اهل بیت (ع) نقل نموده اما تفسیر آیات فراوانی را با اهل بیت (ع) پیوند می‌زند و فضائل ایشان خصوصاً علی (ع) را در تفسیر خویش بیان می‌کند. روایات متعددی درباره کربلا و عاقبت دشمنان امام حسین (ع) از او روایت شده که برخی از آنها در لسان سدی منفرد است. علاوه بر تولی اهل بیت (ع) تبری از دشمنان ایشان و ذکر فضائل، مقام خلیفه الهی بر ایشان مترتب می‌سازد و امتداد ولایت ایشان را تا ظهور منجی عالم و استیلای حق بر باطل مبرهن می‌داند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید). قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ج ۱-۲۰.

امامت پژوهی در کوفه در ... (منصوره سادات خاتمی و محمدرضا شاهرودی) ۳۲۳

- ابن اثیر، علی بن محمد. (بی تا). *الکامل فی التاریخ*. بیروت - لبنان: دار صادر.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن. (بی تا). *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار*. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۱-۱.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (بی تا). *تهذیب التهذیب*. بیروت - لبنان: دار صادر.
- ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۳۷۱). *الثاقب فی المناقب*. قم: انصاریان، ج ۱-۱.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب ع*. تصحیح هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی. قم: علامه، ج ۱-۴.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۶۷). *إقبال الأعمال (طبع قدیم)*. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۱-۲.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۰). *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*. قم: مطبعة الخیام، ج ۱-۲.
- ابن عقده، احمد بن محمد. (۱۴۲۴). *فضائل أمير المؤمنين علیه السلام*. قم: دلیل ما، ج ۱-۱.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۳۶۲). *عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة*. قم: موسسه سید الشهداء (ع)، ج ۱-۴.
- ابن نما، جعفر بن محمد. (بی تا). *مشیر الأحزان: من مصادر بحار الأنوار*. قم: مدرسه الإمام المهدي علیه السلام، ج ۱-۱.
- جزری، محمد بن محمد. (۱۴۲۹). *غایة النهایة فی طبقات القراء*. تصحیح مجدی فتحی سید و جمال الدین محمد شرف، تحقیق عبدالکریم ابراهیم عوض صالح. طنطا - مصر: دار الصحابة للتراث.
- جعفری، حسین محمد. (۱۳۸۲). *تشیع در مسیر تاریخ*. ترجمه‌ی محمدتقی آیت‌اللهی. تهران - ایران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حافظ مزی، یوسف بن عبد الرحمن. (۱۴۰۵). *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*. تحقیق بشار عواد معروف. بیروت - لبنان: موسسه الرساله.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵). *إثبات الهداة بالانصوص والمعجزات*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- حسکانی، عبید الله بن عبد الله. (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
- خضیری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۰). *تفسیر التابیین*. ریاض - عربستان: دار الوطن للنشر.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴). *سیر اعلام النبلاء*. تحقیق جمعی از محققین و شعیب ارناووط. بیروت - لبنان: موسسه الرساله.

ذهبی، محمد بن احمد. (بی‌تا-الف). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. تحقیق علی محمد بجاوی. بیروت - لبنان: دار الفکر.

ذهبی، محمد حسین. (بی‌تا-ب). *التفسیر و المفسرون*. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱). *الاتقان فی علوم القرآن*. تحقیق فواز احمد زمزلی. بیروت - لبنان: دار الکتب العربی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (بی‌تا). *الدر المشور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ج ۱-۶.

شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۸). *روش های تائیل قرآن: معناشناسی و روش شناسی تائیل در سه حوزه روایی، باطنی و اصولی*. قم: بوستان کتاب قم.

شوشتری، نور الله بن شریف الدین. (۱۳۷۷). *مجالس المؤمنین*. تهران - ایران: اسلامیة.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو، ج ۱-۱۰.

طبری آملی، محمد بن علی. (۱۳۸۳). *بشارة المصطفى لشيععة المرتضى (طبع قديم)*. نجف: المطبعة الحيدرية.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۵). *المستترشد فی إمامة أمير المؤمنين علی بن أبي طالب عليه السلام*. تهران: مؤسسه الثقافة الإسلامية لکوشانیور.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)*. بیروت: دار المعرفة، ج ۱-۳۰.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳). *رجال الطوسی (جامعه مدرسين)*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۱-۱.

طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *الأمالی*. قم: دار الثقافة، ج ۱-۱.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (بی‌تا). *نهج الحق و كشف الصدق*. بیروت: دار الکتب اللبنانی، ج ۱-۱.

کلینی، محمد بن یعقوب. (بی‌تا). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية، ج ۱-۸.

کوفی، فرات بن ابراهیم. (بی‌تا). *تفسیر فرات الکوفی*. تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.

مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۵). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. دار إحياء التراث العربی، ج ۱-۱۱۰.

مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۲). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، ج ۱-۲.

امامت پژوهی در کوفه در ... (منصوره سادات خاتمی و محمدرضا شاهرودی) ۳۲۵

نباطی عاملی، علی بن محمد. (۱۳۸۴). *الصراط المستقیم إلی مستحقّی التقدیم*. تهران: المكتبة المرتضوية
لأحياء الآثار الجعفرية، ج ۱-۳.
ياقوت حموی، ياقوت بن عبد الله. (بی تا). *معجم الأدباء*. تحقیق احسان عباس. بیروت - لبنان: دار الغرب
الاسلامی.

